

## فناوری‌های اطلاعاتی و بسط ظرفیت‌های حکمرانی دولت‌های مدرن مبتنی بر اقتناع و قدرت نرم

نوراله قیصری<sup>۱</sup>  
سعید امان‌کاه<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به دغدغه دائمی دولت‌ها برای گردآوری و تحلیل داده‌های حوزه حکمرانی (داخلی و خارجی)، قابلیت‌های بی‌نظیر فناوری دیجیتال، ظرفیت دولت‌ها را در مقیاس بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. درک ابعاد این پدیده و نقش مثبت و منفی آن در حکمرانی دولت‌ها بسیار حائز اهمیت است. حکومت‌هایی که دارای پایش‌های اطلاعاتی دقیق و همه‌جانبه هستند، تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری در آن‌ها بسیار دقیق انجام می‌شود. همچنین ما با جامعه شبکه‌شده و به تبع آن قدرتمندتر شده توسط اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی جدید مواجه ایم که شکل حکمرانی دولت‌ها را بسیار متفاوت‌تر از گذشته نموده است و اهمیت حکمرانی اقتناعی و توجه به قدرت نرم را در سیاست‌ورزی دولت‌ها، دو چندان نموده است. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: فناوری‌های اطلاعاتی و دیجیتال چه تاثیری بر بسط قابلیت‌های دولت‌های مدرن درگردآوری و تحلیل اطلاعات داشته است؟ در پاسخ نیز این فرضیه مطرح شده است که فناوری‌های اطلاعاتی باعث بسط ظرفیت‌های دولت‌های مدرن قوی می‌شوند و به علت اطلاعاتی شدن جامعه از یک سو و رویت‌پذیر شدن جامعه برای دولت‌های مدرن از سوی دیگر، حکمرانی دولت‌های مدرن قوی را به سمت استفاده بیشتر از قدرت نرم و اقتناع پیش خواهد برد. این پژوهش با روش توصیفی-اسنادی درچارچوب نظریه قدرت نرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** دولت مدرن، فناوری اطلاعات، دولت قوی، جامعه اطلاعاتی، قدرت نرم.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نوسنده مسئول)

ngheisari@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

گسترش روز افزون سیستم های اطلاعاتی قابلیت های نوینی را در اختیار دولت ها قرار داده اند تا بر بستر تکنولوژی دیجیتال، قابلیت های خود را برای گردآوری حجم عظیمی از اطلاعات و تحلیل نظام مند آنها گسترش دهند. این امکان جدید به دولت های مدرن قوی قدرت بی سابقه ای در جهت جمع آوری و تحلیل داده های انبوه اعطا کرده است. این فناوری ها در حال حاضر تقریباً در تمامی سطوح فعال بوده و حتی در ساحت اندیشه ورزی نیز ورود کرده اند. تحول در نمودها و نمادهای بسیاری از عناصر متشکله جهان اجتماعی بشر از جمله این دگرگونی هاست. به بیان دیگر، طی سالیان اخیر بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی تحت تأثیر این عامل دچار تحول و دگرپرسی شده اند. در این میان، مفهوم دولت و حکمرانی نیز از حالت سنتی خارج شده و شکلی جدید به خود گرفته است.

از دهه ی ۸۰ به این سو با ایجاد موج جدیدی از فناوری های دیجیتال و اطلاعاتی ماهیت دولت مدرن و حتی ماهیت سیاست تحت تأثیر این پدیده ها قرار گرفته است. گسترش ظرفیت های نظارتی و اطلاعاتی دولت ها از یک سو و شبکه ای و اطلاعاتی شدن جامعه از سوی دیگر، حکمرانی را به یک مقوله سهل و ممتنع تبدیل نموده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در پشتیبانی از اجرای قوانین، فرایندها و رفتارهایی که حکمرانی را تعریف میکند، نقشی اساسی ایفا می کنند، استفاده از این فناوری ها به ایجاد تحول در ساخت و وظایف دولت و حکومت منجر می شود. حتی نوع مشارکت نیز در حال دگرگونی است و به نظر می رسد دولت و به عبارتی حاکمیت، در معرض تحولی اساسی قرار گرفته و بار دیگر، شاهد شکل گیری حکمرانی مستقیم و بی واسطه که نمونه آرمانی آن در جامعه یونان باستان تجربه شده بود. این بار در گستره ای جهانی می باشیم (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

بنابراین با شبکه ای شدن جامعه و به تبع آن قوی تر شدن جامعه توسط همین فناوری ها شاهد تقویت سویه های اقناعی حکمرانی و نگاه جدی تر به عرصه قدرت نرم در دولت های مدرن می باشیم. بالعکس دولت های ضعیف که فاقد این امکان هستند برای کنترل جوامع خود که در عصر جهانی شدن ساختاری شبکه ای بر بستر اینترنت و فناوری های ارتباطی یافته اند با چالشی جدی مواجهند که موجب تضعیف حاکمیت آن ها خواهد شد. بنابراین، این پژوهش ضمن بررسی اهمیت اطلاعات و نظارت برای دولت های مدرن در عصر اطلاعاتی شدن جوامع بر افزایش ظرفیت امنیتی، خدماتی و دیپلماسی کشورها، مفهوم دولت قوی و دولت های

ضعیف و چالش های پیش روی این جوامع را مورد بررسی قرار می دهد و در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی چه تاثیری در افزایش قدرت نرم دولت های مدرن دارد؟

### پیشینه پژوهش

در مورد بررسی نقش دولت در زمینه سازی توسعه فن آوری اطلاعاتی با مطالعه موردی ایران بصورت پراکنده مورد بررسی قرار گرفته است که در این زمینه می توان به تالیفات به شرح زیر اشاره نمود:

از جمله می توان به پایان نامه آقای علیرضا سمیعی، در دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۳۷۹) با عنوان «نقش دولت و جامعه مدنی در فرایند توسعه در ایران در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۸» اشاره کرد و پایان نامه دیگر به پارادوکس های دولت تحصیلدار در ایران می پردازد که نوشته آقای حمید قلی از دانشکده تربیت مدرس است که در سال (۱۳۸۰) دفاع شده است و نیز پایان نامه دیگر تحت عنوان راهبردها و راهکارهای پیاده سازی دولت الکترونیک در ایران است که نوشته آقای مهدی غضنفری از دانشکده علم و صنعت ایران است که در سال (۱۳۸۱) دفاع شده است. آنچه این پژوهش را از سایرین متمایز می سازد نوین بوده حوزه مورد مطالعه و اهمیت موضوع فناوری اطلاعاتی در بسط ظرفیت دولت های مدرن می باشد و اهمیت قدرت نرم را بخوبی در اطلاعاتی شدن جوامع و سیاستگذاری های دولت های مدرن نشان می دهد.

### چارچوب نظری: نظریه قدرت نرم

قدرت از مباحث محوری علم سیاست و مورد تأمل در متون و آثار سیاسی است. این امر، به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی در راستای اجرای برنامه ها، خطی مشی ها و تحقق اهداف ملی است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). در واقع قدرت از قابلیت هایی چون توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار است (مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷) قدرت به معنای توانایی تاثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت تاثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد. می توان آنها را با تهدید یا اعمال قوه قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران

را وادار به تبعیت کرد یا اینکه با بهره‌گیری از مولفه‌های نرم افزاری قدرت آنها را جذب و با خود همراه کرد (Nye, 2004). سابقاً در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گرفتند (Yazhi, 117: 2001) اما تحولات جریان ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب اقبال روز افزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. ابعاد نرم افزاری قدرت، اصطلاحی است که از دیدگاه جوزف نای نظریه پرداز آمریکایی در زمینه ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا، کلوس کنور و رای کلاین پیگیری کرد (Gill&Huang, 2006).

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه آتلانتیک مطرح نمود (Nye, 1990). نای اعتقاد دارد که قدرت، مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می‌کنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند (Nye, 2002: 9) او، موفقیت در سیاست‌های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است: قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، می‌باشد. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می‌داند. از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند؛ همچنین او اعتقاد دارد عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان شمول و نهادهای بین‌المللی تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته‌اند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴).

در دیدگاه نای، قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه پاداش، جذب و اقناع وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به خصوص زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است (Nye, 2004). او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، هوش هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت‌های ارتباطی است که شامل مهارت‌های بیانی؛ همچنین توانایی استفاده

از وسایل ارتباطی غیر کلامی می‌باشد (Nye, 2008). قدرت نرم ناظر بر ابعاد فرهنگی، روانی و اطلاعاتی است. در این نوع قدرت، به جای تصرف و تسلط سرزمین‌ها و یا دولت‌ها، تصرف «ذهن»‌ها و «قلب»‌ها مد نظر قرار می‌گیرد. و از این طریق، یعنی با تسلط بر ذهن و قلب افراد یک جامعه می‌توان آنان را به اقتناع رساند. به سادگی روشن است که ابزارهای رسیدن به چنین هدفی در اولویت اول، رسانه‌های فرهنگی و اطلاعاتی است.

بنابراین، قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت‌های ارزشی و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران می‌باشد. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع است؛ در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. جوزف نای بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند «اطلاعات و دانایی» را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰).

### تعریف مفاهیم

**فناوری‌های اطلاعاتی:** فناوری اطلاعات شامل همه‌ی ابزارها و روش‌هایی است که اطلاعات را دریافت، ذخیره، پردازش و مبادله می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند (علیدوستی و شیخ شعاعی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

**ظرفیت‌های حکمرانی:** ظرفیت حاکمیت عبارت است از شایستگی‌ها و منابعی که در اختیار حاکمیت است که قدرت اعمال حکمرانی را به دست می‌دهد. مفهوم (ظرفیت حاکمیت) زمانی در ادبیات بین‌المللی رشته مدیریت دولتی شکل گرفت که از سویی به دنبال

توسعه اقتصادی و کوچک سازی دولت، فشارها برای بازاری سازی خدمات و امورات عمومی افزایش یافت و بخشی از حوزه اقتدار و ظرفیت حاکمیت به بخش خصوصی واگذار گردید، از سویی دیگر در جریان توسعه سیاسی و اجتماعی بخش سوم جامعه فعال شدند و با شکل گیری احزاب، سمن ها و رسانه های متنوع و متعدد قسمت دیگری از ظرفیت حاکمیت به این بخش واگذار شد. و نهایتا به دنبال روند توسعه، با ترویج حکمرانی خوب، سازمان های بین المللی و جهانی با اعمال حکمرانی از آن سوی مرزها و پذیرش حاکمیت های ملی برای تبعیت از آنها، بخش دیگری از ظرفیت حکمرانی ملی واگذار شد. مجموعا سه گروه ظرفیت سیاسی، تحلیلی و عملیاتی حدود اقتدار قدرت مانور حکمرانی یک حاکمیت را تشکیل می دهند که هریک را می توان در سطوح فردی، سازمانی و ملی در نظر گرفت (ابراهیم پور و الیک، ۱۳۹۵: ۱۷)

دولت مدرن: دولت مدرن، دولتی است که از یک سری ویژگیها، معیارها و الزامات برخوردار است که نظریه دولت مدرن را از نظریه های دیگر دولت همچون دولت مطلقه متمایز میکند. عموما در این بخش تنوریک، یک برداشت تجویزی نسبت به دولت مدرن وجود دارد و اکثر دولتها در جهان میکوشند که ساختار خود را همانند این دولت مدرن سازند (مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۹۵: ۲۶)

اقتناع: اقناع یکی از زیر مجموعه های ارتباطات است و معمولا به عنوان فرایندی ارتباطی برای تاثیرگذاری بر دیگران تعریف می شود. پیام اقناعی دارای نقطه نظر یا رفتاری مطلوب برای گیرنده است تا وی آن را به صورت داوطلبانه بپذیرد، ویکتوریا اداتل و جون کیمل (۱۹۸۲) اقناع را چنین تعریف کرده اند: "یک فرایند تعاملی پیچیده و مداوم که در آن فرستنده و گیرنده به وسیله نمادهای شفاهی و غیر شفاهی، به یکدیگر وصل هستند و اقناع گر سعی می کند از طریق آن بر اقناع شونده تاثیر بگذارد تا وی ادارکش را بسط یا تغییر داده و در نتیجه در حالت یارفتارش تغییر ایجاد شود" (جاوت و اوداتل، ۱۳۹۰: ۶۱)

قدرت نرم: عبارتست از توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران، این توانایی می تواند در دو جهت یکی تقویت عزم و اراده ملی در راستای تامین امنیت ملی نظام و دوم در راستای گسترش و صدور اراده نظام با تایید افکار عمومی در یک محیط خاص، منطقه ای و بین المللی بکار گرفته شود (رهپیک، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

### اهمیت اطلاعات و نظارت برای دولت مدرن

مشخصه ای که در عصر حاضر اهمیت ویژه ای یافته است نظم و انتظام یافتگی است. این نظم یافتگی در قالب نهادهای اجتماعی تحقق می یابند. در واقع زندگی جوامع نوین از تسلط

طبیعت به سمت سازمان‌یافتگی توسط نهادهای پیچیده اجتماعی در حرکت است. عنصر مهم و اساسی در سازمان‌یافتگی، داشتن اطلاعات از مردم و نظارت بر آن هاست و دولت به عنوان مهمترین نهاد انتظام بخش محور جمع‌آوری و تحلیل این اطلاعات می‌باشد. اطلاعات برای تمامی دولت‌ها حتی دولت‌های ماقبل مدرن دارای اهمیت فراوانی بوده است. امروزه اطلاعات برای دولت‌های مدرن اهمیت ویژه تری یافته است. در واقع وظیفه مهم دولت سازماندهی بخش مهمی از زندگی اجتماع است. نکته بدیهی اینجاست که برای سازماندهی احتیاج به اطلاعات و نظارت وجود دارد (ویستر، ۱۳۸۹: ۹۴). اینکه اطلاعات برای دولت‌ها حائز اهمیت است فقط مربوط به دولت مدرن نیست بلکه همه انواع دولت‌ها برای سازماندهی احتیاج به اطلاعات و نظارت بر محدوده تحت کنترل خود داشته‌اند.

مطلبی که گیدنز بر روی آن تأکید دارد، اهمیت خاص اطلاعات و نظارت در دولت‌های ملی است. زیرا در دولت‌های ملی اهمیت شناخت اتباع و اعضا بسیار بیش از گذشته حس می‌شود و حکومت در محدوده سرزمینی احتیاج بیشتری به نظارت بر اتباع خود دارد. آنتونی گیدنز جزو آن دسته از نظریه پردازانی است که عنوان می‌کند جوامع مدرن از همان آغاز جوامع اطلاعاتی بوده‌اند. گیدنز بیان می‌کند که مفهومی بنیادی وجود دارد که با آن تمامی دولت‌ها جوامع اطلاعاتی بودند چرا که این نسل از نیروی دولتی به طور انعکاسی کاربرد گردآوری ذخیره و کنترل اطلاعات را برای اهداف مدیریت مسلم فرض می‌کند اما در دولت ملی با وحدت مدیریت منحصر به فرد او در نهایت درجه این پدیده بعدی بسیار بالاتر از هر زمان دیگر رسیده است (گیدنز، ۱۹۸۵: ۱۷۸).

گیدنز عنصر اصلی مدرنیته و فرق آن با جامعه سنتی را تغییر در صورت‌های اجتماعی جدید و یا به عبارت دقیق‌تر شکل‌گیری نهاد‌های جدید اجتماعی تلقی می‌کند و عنوان می‌کند "برخی از صورت‌های اجتماعی مدرن در دوران‌های تاریخی سنتی و قدیم به هیچ وجه وجود نداشته است مانند شکل نظم سیاسی که در قالب دولت ملی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع نقطه تمایز بین سنت و مدرنیته برای گیدنز همین نهاد‌های جدید است که همه زندگی انسان‌ها را فرا گرفته است و نقطه شروع این تغییر نهادی را صنعتی شدن می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۵۵). او برای مدرنیته چهار بعد اساسی در نظر می‌گیرد که شامل صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری، نظارت و

قدرت نظامی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۲). در این میان نقش فناوری در تقویت خصلت نظارت دولت مدرن بسیار حائز اهمیت بوده است. پدیده‌ی سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های جدید دیجیتال از یک سو موجب گسترش جامعه اطلاعاتی شده است و از سوی دیگر دولت مدرن را مجهز به جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و تحلیل اطلاعات به طور وسیع تر و دقیق تر از گذشته نسبت به اتباع و سرزمین خود و حتی سایر دولت‌ها ساخته است. فناوری‌های نوین در قالب سیستم‌های اطلاعاتی خصلت نظارتی و اطلاعاتی دولت‌های مدرن را بیش از پیش تقویت نموده و ظرفیت‌های شگرفی در این زمینه برای دولت‌های مدرن ایجاد نموده است.

### نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در شکل‌گیری عصر اطلاعات

همان‌گونه که آلون تافلر<sup>۱</sup> در کتاب «موج سوم» بیان کرده است تغییرات اساسی تمدنی، اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ را به ۳ موج می‌توان تقسیم نمود. او عنوان می‌کند که پس از سال ۲۰۱۰ بشر وارد عصر دیگری از تکامل تمدن خود می‌شود که عده‌ای از آن تحت عنوان موج چهارم یاد می‌کنند. موج اول عصر کشاورزی است. موج دوم انقلاب صنعتی بود که با اختراعاتی نظیر ماشین بخار، برق، راه آهن، تلفن، رادیو، تلویزیون و... باعث ایجاد تغییرات مهم و گسترده‌ای در حوزه زیست اجتماعی و نهاد‌های شکل دهنده آن شد. موج سوم عصر فراصنعتی یا عصر الکترونیک یا عصر اطلاعات نام گرفت. عصری که بر پایه رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت شکل گرفته است. (تافلر، ۱۳۸۰: ۱۹۳ تا ۱۹۵). با رشد فناوری‌های اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی شکل جدیدی از سامان اجتماعی و سیاسی شکل گرفت که از آن می‌توان به موج چهارم یا عصر مجازی یاد کرد. امروزه با شروع میل به سوی مجازی شدن محدودیت‌های زمانی و مکانی از بین می‌روند به شکلی که ترکیبی از فناوری و اطلاعات به وجود می‌آید و واژه‌های مثل پول، اقتصاد، دولت، تجارت، خدمات، آموزش و... با پسوندی به نام مجازی شنیده خواهند شد (جلالی، ۱۳۷۳).

اختلافات زیادی بین اندیشمندان در بازتاب و ویژگی‌های این نماد مشترک وجود دارد. در میان نظریات مختلف می‌توان به این مباحث به صورت تیتروار اشاره کرد: نظریه "جامعه پسا صنعتی" که

1. Toffier Alvin



بر اطلاعات تأکیدی ویژه دارد. افکار آتونی گیدنز درباره "دولت ملی و خشونت" که در آن نقش اطلاعات گردآوری شده را به منظور اعمال نظارت برجسته می‌کند. دیدگاه‌های "هربرت شیلر" درباره نیاز سرمایه داری پیشرفته به اطلاعات و دستکاری آن. بحث "یورگن هابرماس" که "حوزه عمومی" و همراه با آن دسترسی اطلاعات را در حال زوال می‌بیند. این نظر که ما از جامعه "فوردیستی" به "پسا فوردیستی" در حال گذاریم یعنی جامعه‌ای که برای پیشرفت و توسعه متکی به اطلاعات است. نظر "ژان بودریار" و دیگر طرفداران "پسامدرنیسم" که به "انفجار نشانه‌ها" در دوران مدرن توجه جدی نشان می‌دهند. و دیدگاه "مانوئل کاستلز" درباره "شهر اطلاعاتی" (وبستر، ۱۳۸۹: ۴).

تحولاتی که در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و هم چنین سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر صورت گرفته، جمع آوری، ذخیره سازی، پردازش و تحلیل اطلاعات و ارسال آن را از حالت محدود به حالت گسترده و انبوه تبدیل نموده است. در زیر سایه این تحولات نهادهای اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده اند و مفاهیم جدیدی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی پدید آمده است که منجر به انقلاب در ساحت فردی و اجتماعی انسان عصر حاضر گردیده است. این تغییرات دو سویی بسیار مهم دارند. سویی اجتماعی که در آن سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی باعث به وجود آمدن مفهوم "زندگی شبکه‌ای" شده اند به طوری که حضور فناوری اطلاعات باعث انتشار تقریباً کنترل ناپذیر اطلاعات و دانش در پیکره جامعه گردیده است و از سوی دیگر باعث تحول در سازمان‌ها و تبع آن بزرگترین سازمان یعنی دولت شده و شکل جدیدی از صورت‌بندی سخت افزاری و نرم افزاری سازمانی را بوجود آورده است. سازمان‌هایی که باید جوامع اطلاعاتی شده را اداره کنند و خود مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری؛ اجرا و رصد بازخورد سیاست‌های اتخاذ شده باشند. میزان قدرت و گستره حاکمیت دولت در حال حاضر ارتباط مستقیمی با بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های دیجیتال دارد.

### نقش فناوری اطلاعات در بسط ظرفیت‌های دولت مدرن

نقش فناوری‌های اطلاعاتی در بسط ظرفیت‌های سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در دولت مدرن یکی از کارویژه‌های اصلی دولت‌ها سیاستگذاری در مورد مسایل مختلف اجتماعی است. تصمیم‌گیری جز مهمی از سیاستگذاری محسوب می‌شود. این کار در جوامع مدرن پیچیده تر از

گذشته به نظر می رسد زیر اقدردت دولت ها با نتایج تصمیم گیری ها تعیین میگردد. تصمیم گیری یکی از مباحث پایه ای است که در سطوح مختلف سیاست گذاری مورد استفاده قرار می گیرد. یک موضوع از زمانی که هنوز چیزی بیشتر از یک دغدغه نیست تا زمانی که به یک مشکل یا معضل تبدیل و نیازمند سیاست گذاری می شود و تا مرحله وضع و اجرای یک سیاست در معرض تصمیم گیری های مکرر قرار می گیرد. اگر تصمیم گیری را در تعریفی ساده، فرآیندی بدانیم که به کمک آن تلاش می شود تا راه حلی برای یک مسئله پیدا شود (Stone) می توانیم آن را جزئی جدانشدنی از سیاست گذاری بدانیم. سیاست گذاری عمومی، کلیتی از فرآیندهای تصمیمی است که به کمک آن یک دولت تصمیم می گیرد به مسئله یا ملاحظه های پیردازد با نپردازد (شافریتز) (ملک محمدی، ۱۳۹۹: ۳۳). برای تصمیم گیری فرایند های متفاوتی مطرح شده است. در تحلیل فرایند تصمیم گیری "هربرت سایمون" چهار مرحله را پیش بینی کرده است که تحقق هر کدام از آنها مستلزم دستیابی به اطلاعات مطلوب است این مراحل عبارتند از:

۱) مرحله فعالیت هوشمندانه

۲) مرحله فعالیت طراحی

۳) مرحله فعالیت انتخاب

۴) مرحله فعالیت ارزیابی (محمودی، ۱۳۹۱: ۶۰ و ۶۱)

این مسئله بر فرض محدودیت اطلاعات انسانی بنا شده است و تصمیم گیری و سیاست گذاری را با یک تناقض مواجه می کند. از سویی بحث از محدودیت های انسان در گردآوری و ذخیره سازی و به خصوص تحلیل اطلاعات مطرح است از سویی دیگر در دنیای کنونی به وسیله فناوری های اطلاعاتی با انبوهی از داده ها در مورد یک پدیده مواجهیم که به صورت عکس به بحران تصمیم گیری به علت تورم اطلاعات تبدیل می شود. اینجاست که سیستم های اطلاعاتی از انواع تصمیمات مدیران پشتیبانی می کند و به آن ها کمک می کند که بهترین تصمیمات را در کمترین زمان ممکن اتخاذ کنند. این سیستم ها می توانند از پایین ترین رده های ممکن در حوزه جمع آوری تا بالاترین تصمیمات و تحلیل ها به صورت نیمه هوشمند و هوشمند در دسترس مدیران و سیاستگذاران قرار گیرند و پیچیدگی های تورم اطلاعاتی را رفع نمایند. هر

چه اطلاعات در مورد موضوع تصمیم دقیق تر و جامع تر باشد تصمیم گیری نیز از کیفیت و ضمانت اجرایی بالاتری برخوردار است گرچه اطلاعات در مراحل اجرا و بازخورد تصمیمات اتخاذ شده نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امروزه سیستم‌های اطلاعاتی فناوری پایه توانسته‌اند پارادوکس کمبود اطلاعات و انبوه اطلاعات را در سیاستگذاری مرتفع سازند و باعث شده‌اند که از انبوه داده‌ها آن مواردی که مد نظر سیاست گذاران است جمع آوری، ذخیره سازی و تحلیل شود و به هر کدام از نهادها بنا به موقعیت گزارش داده شود. یکی از ویژگی‌های خاص سیستم‌های حرفه‌ای توانایی آنها در استدلال دادن، مهارت‌ها و اطلاعات لازم ذخیره شده در پایگاه اطلاعاتی و قابل قبول بودن این اطلاعات برای تصمیم گیری است. این رایانه‌ها طوری برنامه ریزی شده‌اند که می‌تواند اطلاعات را بر پایه مرحله جستجو و تطابق دادن تفسیر و ترجمه کنند. اطلاعات استخراج شده در ترکیبی به نام موتور استنباطی عمل می‌کنند و از آن نتایج افراد تازه کار به عنوان نظریه و پیشنهاد استفاده می‌کنند. در طول سال‌های گذشته فناوری سیستم‌های حرفه‌ای به طرز موفقیت آمیزی در بسیاری از شرکت‌ها و موسسات و هم چنین دولت‌های دور دنیا برای شناسایی و حل مسائل و مشکلات مربوط و کمک به تصمیم گیری به آنها به کار می‌رود (توربان، رینر، پاتر، ۱۳۹۱: ۴۰۹).

### نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در بسط ظرفیت‌های امنیتی دولت مدرن

دولت ملی مسئول تأمین امنیت اتباع خود در حیطه سرزمینی و حتی فرا سرزمینی است که شامل دو بعد داخلی و خارجی است. در بعد داخلی حفظ امنیت در ابتدا به توانایی تشخیص تهدیدات بالقوه و بالفعل نیازمند است. دولت‌ها باید بتوانند تشخیص دهند با چه مخالفانی و در چه سطح تهدیدی مواجه هستند. برای این کار محتاج به سیستم‌های اطلاعاتی پیچیده و مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی روز هستند. دولت مدرن با حساسیت نشان دادن به تهاجم داخلی میلی قوی برای جستجوی شورشگران دارد (ویستر، ۱۳۸۹: ۱۱۳). هر چه دسترسی دولت‌ها به اطلاعات امنیتی دقیق تر باشد، تصمیمات امنیتی کارآمدتر اتخاذ می‌شود.

یکی دیگر از کارویژه‌های مهم دولت مدرن حفظ تمامیت ارضی است. در واقع پیش نیاز شکل گیری دولت‌های مدرن آمادگی برای جنگ و توانایی دفاع از مرزهای سرزمینی است. همانطور که گیدنز اشاره می‌کند رابطه‌ای عمیق بین دولت ملی و جنگ وجود دارد و به عبارت

بهرتر دولت های ملی در شرایط جنگی بوجود آمده اند و حد و مرز های خود را تعیین نموده اند. (همان: ۱۰۶ و ۱۰۷). در جهان مدرن جنگ ها نیز مدرن شده اند. شاید بتوان گفت پیشرفته ترین فناوری ها، فناوری های دفاعی اند و با پیشرفت صنعتی و تکنولوژی گره خورده اند. در عصر اطلاعات محور اصلی جنگ نیز اطلاعات و فناوری های اطلاعاتی شده اند. برتری نظامی آمریکا در بیش از پنج دهه گذشته مرهون توانایی استثنایی این کشور در تبدیل ابداعات فناورانه و توان صنعتی اش به مزیت های موثر میدان جنگ بوده است (اسکینر، ۱۳۸۴: ۵۳).

رابرت اسکیلز<sup>۱</sup> در کتاب جنگ آینده می نویسد: هنری فورد و هاینس گودریان آلمانی هرگز یکدیگر را ندیدند ولی این ژنرال آلمانی بارها از ابداع فورد برای رسیدن به پیروزی در میدان جنگ استفاده کرد. به همین ترتیب تاریخ سرانجام جنگجویی را خلق خواهد کرد که از فرصت های به وجود آمده توسط بیل گیتس و انقلابی که با نام او عجین است حداکثر استفاده را خواهد کرد (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۲۵). در واقع جنگ در عصر اطلاعات ماهیت جدیدی مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی با فناوری های پیشرفته پیدا کرده است. پروفیسور جان اریکسون<sup>۲</sup> مسئله مهم را با صراحت چنین بیان می کند: عملیات نظامی مدرن با سلاح سر و کار ندارند. آنها با اطلاعات، دستور و نظارت سرکار دارند. اطلاعات کارها را انجام می دهد. اطلاعات سلاح ها را شلیک می کند. اطلاعات به دیگران می گوید که به کجا بروند. شبکه علائم مهم ترین چیز است. اگر می خواهید دنیا را خلع سلاح کنید آن را از دست کامپیوترها نجات دهید (وبستر، ۱۳۸۹: ۱۰۹). نقطه کانونی جنگ های نوین سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری های ارتباطاتی می باشند که نقشی تعیین کننده در امنیت دولت ها ایفا می کنند.

### نقش فناوری های اطلاعات و ارتباطات در بسط ظرفیت های خدماتی دولت مدرن

از قرن بیستم استفاده گسترده از فناوری درون دستگاه های دولتی کشورهای متعددی در زمینه هایی چون ارتباطات، سیستم های اداری، جمع آوری و ذخیره داده، امنیت و نظارت و همچنین توزیع اطلاعات وجود داشته است و از این رو می توان گفت که دولت الکترونیک مفهوم جدیدی نیست اما صنعت همزمان اطلاعات ظرفیت های بی سابقه و قابلیت های متنوع و متکثری را در

1. Robert J Skinner

2. Johan Ericsson

اختیار دولت و سازمان های دولتی گذاشته و و ایده های متعددی درباره ایجاد ادارات مدرن برای ارائه خدمات دولتی مطرح شده است (عاملی، ۱۳۹۶: ۳۵). دولت الکترونیک به عنوان آخرین نسخه دولت مدرن، دستگاه حکومت خود را مجهز به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نموده و در حکمرانی شکلی اطلاعاتی و مبتنی بر داده به خود گرفته است. چنین دولتی چه در خصوص نظارت بر اتباع و چه در خصوص خدمات و وظایفی که در قبال آن ها بر عهده دارد به شدت مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی عمل می کند.

در دولت الکترونیک بسیاری از فعالیت ها مانند اخذ مجوزها، ثبت اسناد و املاک، صدور گواهی نامه های مختلف و... به صورت برخط انجام می پذیرد. دولت ها و حکومت ها با به کارگیری (ICT) در اقدامات و فعالیت های خود خدمات و کالاهای عمومی را به شکل بهتر و مناسب تر به ملت های خویش عرضه می نمایند. با این روش نه تنها دولت می تواند به شکل مناسب تری اعمال تصدی گری و اعمال حاکمیتی خود را اعمال کند بلکه ضمن تعامل بهتر با مردم خود مفاهیمی چون شهروند، حقوق شهروندی، حاکمیت دولتی، مردم سالاری را نیز تعاریف جدیدی به خود گرفته اند. اینک حکومت ها با بهره گیری از آی سی تی دولتی به شکل الکترونیکي راه اندازی نموده و خدمات اداری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی و حتی نظامی خود را با کمترین تردد و جابجایی فیزیکی انسان ها و امکانات جامعه و بدون استفاده از کاغذ و با افزایش بهره وری و بهبود خدمات و ارتقای سطح اطلاعات به شهروندان، شرکت ها، مؤسسات، تجار، کسبه و حتی کارکنان خود ارائه می نمایند (قاضی زاده فرد، ۱۳۸۷: ۵۲). دولت الکترونیک در دهه های اخیر بخصوص در کشور های پیشرفته عمومیت پیدا کرده است که دلایل متعددی را برای این امر می توان ذکر کرد از جمله:

الف) تکامل دولت ها در پاسخ به عصر اطلاعات

ب) تقاضای زیاد شهروندان

ج) مشارکت بیشتر شهروندان

د) بهتر و سریعتر بودن دولت الکترونیک برای همگان به خصوص در تعاملات دولت با شهروندان در گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی او.ای.سی.دی<sup>۱</sup> عوامل ظهور دولت

الکترونیک و ضرورت وجود آن در جامعه معاصر بر اساس "تکامل دولت‌ها در پاسخ به عصر اطلاعات" "تقاضای زیاد شهروندان" و "مشارکت بیشتر شهروندان" و "بهبود دولت الکترونیک نیز برای همگان" اشاره شده است (او.ای.سی.دی، ۲۰۰۳: ۶۲-۶۹)

### نقش فناوری‌های اطلاعاتی در بسط ظرفیت‌های دیپلماسی دولت‌های مدرن

یکی از دستاوردهای مهم فناوری‌های دیجیتال در عصر ارتباطات مجموعه‌ای از سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که بر بستر اینترنت یک شبکه مجازی ارتباطی را به وجود آورده است. که باعث بوجود آمدن یک منبع قدرت جدید برای دولت‌ها شده است. دیگر مرزها برای انتقال پیام مانعی محسوب نمی‌شوند و این موضوع باعث شکل‌گیری نوع جدیدی از دیپلماسی گردیده که به سوی عامه مردم گرایش دارد و در ابتدا تحت عنوان دیپلماسی عمومی<sup>۱</sup> نامیده می‌شد که در این اواخر مبتنی بر پیشرفت‌های فناوری‌های ارتباطی عمومی‌انواعی مانند دیپلماسی سایبری<sup>۲</sup> برای آن مطرح شده است. با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و پیدایش بازیگران غیردولتی شیوه جدید دیپلماسی مطرح شد که بیشتر به سوی توده‌ها و عامه مردم گرایش داشت محققان این جریان جدید اطلاعات را به عنوان تبلیغات ارتباطات سیاسی اقناعی و به تازگی دیپلماسی علمی به رسمیت شناخته‌اند یکی از مهمترین ویژگی‌های این شکل جدید اطلاعات اهمیت بود که برای افکار عمومی قائل بودند (مولانا، ۱۳۸۷: ۳۰)

پیشرفت فناوری و ایجاد اینترنت منجر به شکل‌گیری شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی موسوم به سایبر دیپلماسی گردید که از ویژگی‌های آن انتشار اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های برخط است این امر روابط بین دولت‌ها را که پیشتر توسط دیپلمات‌ها انجام می‌گرفت به روابطی چندجانبه تبدیل کرده است نتیجه این وضعیت آن است که بیشترین تلاش دستگاه دیپلماسی هر کشور معطوف به برقراری روابط با ملت‌ها از طریق رسانه‌ها و در فضای مجازی گردیده است از سوی دیگر کارکنان رسانه‌ها و بازیگران غیردولتی با نفوذ به افشاجاری می‌پردازند و با انگیزه جلب افکار عمومی در مسائل دخالت می‌کند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

1. Public Diplomacy

2. Cyber Diplomacy

## چالش حاکمیت دولت های مدرن در عصر اطلاعات

فن آوری های اطلاعاتی لزوما باعث تقویت حاکمیت دولت های مدرن و یا به عبارت دیگر دولت های ملی نمی شوند و مواجهه ی دولت های ملی با این پدیده یکسان نتیجه یکسانی نداشته است. به اعتقاد کاستلز<sup>۱</sup> تنوع شیوه های ارتباطی و به هم پوستن همه رسانه ها در یک متن گسترده دیجیتال و چند رسانه ای و امکان پذیری کنترل امواج ماهواره ها و ارتباطات کامپیوتری باعث شده اند تمامی جنبه های سنتی نظارت دفاعی در جهت مسدود کردن مرزهای سیاسی و فرهنگی بسیار تضعیف گردد. به اعتقاد وی جهانی شدن رسانه ها و ارتباطات الکترونیک به مثابه ملیت زدایی و دولت زدایی از اطلاعات است و این روند ها تفکیک ناپذیرند به شدت بر اقتدار سیاسی دولت های ملی می تواند آسیب وارد کند. (کاستلز، جلد ۲، ۱۳۸۰: ۳۰۹ و ۳۱۳). این اعتقاد فقط مختص کاستلز نیست بلکه بسیاری از صاحب نظران معتقدند در فرایند جهانی شدن فشارهای داخلی و خارجی باعث تضعیف حکومت های ملی خواهد شد. درباره تحول مفهوم حاکمیت ملی در دوران حاضر دیدگاه های مختلفی در حوزه نظریات روابط بین الملل وجود دارد. از جمله دو دیدگاه مهم این حوزه

۱. دیدگاه رئالیستی ها

۲. دیدگاه لیبرالیست ها

رئالیست ها معتقدند که اصل حاکمیت در نظام بین المللی رو به نابودی نیست بلکه شکل و نوع آن در حال تحول است و در این زمینه می توان به اتحادیه های اروپایی اشاره کرد که به جای حاکمیت های ضعیف یک حاکمیت قوی تحت عنوان ایالات متحده اروپا در حال ظهور است اما لیبرال ها نظری مغایر با این دیدگاه دارند و معتقدند که تضعیف حاکمیت های ملی در جهان معاصر در حال وقوع است همچنین مدعی اند که با رشد حقوق مالکانه از سوی شرکت ها، نهاد ها و اشخاص اصل حاکمیت رو به ضعف نهاده و در طولانی مدت رو به نابودی است (بدیعی و حسینی نصر آبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸) اما به نوعی هم لیبرال ها بخشی از حقیقت را عنوان می کنند و هم رئالیست ها. عصر اطلاعات و فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی از سویی باعث تضعیف حاکمیت برخی از دولت های ملی و از سوی دیگر موجب تقویت برخی دیگر می شود. عکس العمل دولت ها در

مواجهه با عصر اطلاعات به قوت و ضعف خود آن دولت‌ها بستگی خواهد داشت. جوامع به علت گستردگی فناوری‌های اطلاعاتی به جوامع شبکه‌ای تبدیل شده و یا می‌شوند و در واقع قدرت آن‌ها در مقابل دولت افزایش پیدا می‌کند. دولت‌های ضعیف در مقابل جامعه قدرتمند شده به وسیله اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی روز به روز ضعیف‌تر می‌گردند و به سوی نابودی حاکمیت ملی حرکت می‌کنند. اما دولت‌های قوی و مجهز به فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی در صورت بکارگیری هوشمندانه‌ی این فناوری‌ها در جهت سیاست‌های اقناعی به سوی تقویت و بسط هرچه بیشتر حاکمیت ملی و حتی بین‌المللی خود حرکت خواهند کرد. برای بررسی این مدعا لازم است در ابتدا مفهوم دولت قوی و دولت ضعیف را مورد بررسی قرار دهیم.

### دولت قوی و دولت ضعیف

قوت و ضعف دولت‌ها در توانمندی تحقق کارکردهای اصلی خود نمایان می‌شود. هر قدر دولت در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های خود استقلال و توانمندی بالاتری داشته باشد قوی‌تر و هرگاه این استقلال و توانمندی کمتر باشد دولت به سمت ضعف حرکت می‌کند. این بحث را می‌توان به خوبی در نظریه ژول میگدال<sup>۱</sup> یافت. نظریه او بر الگوی تعامل جامعه و دولت قرار دارد. میگدال دولت را یک سازمان اجتماعی میان سایر سازمان‌های اجتماعی موجود می‌داند و از سویی دیگر جامعه را نیز آمیزه‌ای از سازمان‌های اجتماعی متنوع در نظر می‌گیرد که می‌تواند شامل خانواده، قبایل، نهاد‌های مدنی، سازمان‌ها و غیره باشد (Migdal, 1988: 28). هر یک از این سازمان‌های اجتماعی قوانین و باورهای خود را تولید و انتشار می‌دهد و این افراد هستند که از بین آن‌ها انتخاب می‌کنند و از هر یک از آن‌ها پیروی می‌نمایند. این انتخاب بر اساس برآورده کردن نیازهای روحی و روانی افراد، که میگدال آن را "استراتژی بقا - برنامه عمل و عقیده" می‌نامد، انجام می‌شود (Migdal, 1988: 27). در تسلیم شدن افراد به قوانین سازمان، سوی دیگری نیز وجود دارد که میگدال آن را "کنترل اجتماعی" توسط سازمان‌ها نام‌گذاری می‌کند. این کنترل اجتماعی میزان قدرت نفوذ سازمان‌های اجتماعی را نمایان می‌کند که می‌تواند در طیفی از اجبار تا اقناع و مشروعیت قرار گیرد (Migdal, 1988: 22). دولت به عنوان یک سازمان اجتماعی مشغول بازی با همین

1. Migdal Joel S



قواعد برای ایجاد کنترل اجتماعی بیشتر و پذیرش قواعد و رویه های خود از سوی افراد است و در این مسیر با سایر سازمان های اجتماعی در ستیز و یا تعامل است (Migdal, 1988: 22). این نکته اصلی الگوی تعامل دولت-جامعه میگدال است. یعنی دولت و سازمان های اجتماعی به طور مداوم برای کنترل اجتماعی رقابت می کنند. اقتدار قالب تعیین کننده پیروز این میدان است.

معمولاً رابطه دولت و جامعه با سلطه یکی بر دیگری مشخص نمی شود، گرچه این امر در شرایط خاصی رخ می دهد (مثلاً تسلط دولت در رژیم های توتالیتر). در حقیقت، هر دو نهاد بر یکدیگر تأثیر می گذارند. قابلیت های دولتی "ظرفیت هایی برای نفوذ به جامعه، تنظیم روابط اجتماعی، استخراج منابع و اختصاص یا استفاده از منابع به روش های معین را شامل می شود. دولت های قدرتمند آنهایی هستند که توانایی های بالایی در انجام این کارها دارند، در حالی که دولت های ضعیف در رده پایین این طیف قابلیت ها قرار دارند" (Migdal, 1988: 4-5) تمایز دولت قوی و دولت ضعیف بر اساس شاخص سطح تحقق عینی حق حاکمیت دولت در معنای وبری تعریف می شود. مطابق تعریف کلاسیک توماس هابز<sup>۱</sup> و بعدها ماکس<sup>۲</sup> ویر عنصر معرف و مقوم دولت مدرن انحصار کاربرد مشروع زور توسط یک گروه در یک محدوده سرزمینی با مرزهای مشخص دانسته شده است بر بستر تحقق حاکمیت است که امکان شکل گیری امنیت، تضمین حقوق مالکیت، آموزش عمومی و نظایر آن در جوامع مدرن ممکن شده است (کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۱۳).

در آن سوی دولت جامعه قرار دارد که آن نیز به جامعه قوی و ضعیف تقسیم می شود. هرچه جامعه در مقابل دولت از استقلال و نفوذ ناپذیری بیشتری برخوردار باشد جامعه قوی و هرچه مطیع تر و نفوذپذیر تر در مقابل سیاست های دولت باشد ضعیف تر است. جامعه قوی را می توان با دورویکرد منفی و مثبت شناسایی کرد. جامعه مدنی مبتنی بر نهادهای اجتماعی مدرن رویکرد مثبت آن و جوامع قبیله ای، نفوذ ناپذیر و پراکنده رویکرد منفی جامعه را به نمایش می گذارند. جامعه قوی منفی در یک تعریف این گونه بیان می شود، ویژگی های چون وجود شکاف های متنوع اجتماعی گروه بندی های به شدت متعارض وجود همبستگی های درون گروهی شدید در متن جامعه هویت های قبیله ای، قومی، محلی و عدم شکل گیری و تثبیت هویت ملی

1. Hobbes Thomas

2. Weber Max

و در نهایت تمایل به حفظ خودمختاری منطقه‌ای و محلی در چنین برداشتی قوی بودن جوامع جهان سومی به عنوان یک ویژگی منفی مفهومی بسیار متفاوت با مفهوم جامعه مدنی قوی به عنوان پشتوانه تعهد دموکراسی‌های پایدار دارد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۱۵)

### چالش حاکمیت دولت‌های ضعیف در عصر اطلاعات

دولت‌ها در عصر اطلاعات از دو سو با تهدید ضعیف شدن حاکمیت ملی مواجه اند از یک سو جریان اطلاعات در حوزه ملی و سرزمینی خود و از سوی دیگر جریان اطلاعات جهانی شده و فرا سرزمینی مجهز شدن جوامع خودبسند و قوی به فناوری‌های ارتباطی و فرایند جهانی شدن که فناوری‌های اطلاعاتی آن را تسریع نموده است دوروی یک سکه اند که موجب تضعیف حاکمیت‌های ملی به خصوص تضعیف حاکمیت ملی در دولت‌های ضعیف می‌گردند. واقعیت این است که انقلاب اطلاعات ساختارهای قدرت را به شدت تحت فشار خود قرار داده است در این فضا اعمال حاکمیت یا قدرت کشور برای جلوگیری از دخالت دیگران در امور داخلی به سرعت در حال تضعیف است به طوری که امروز هیچ فرد کشوری نمی‌تواند مانع ورود جریان اطلاعات به مرزهای داخلی شود به این ترتیب فضای مجازی و شبکه مجازی اینترنت به دلیل ماهیت عملکرد فراملی و نیز قابلیت برقراری ارتباط و جابجایی اطلاعات داده‌ها در مقیاس جهانی به اتصال کاربران سراسر جهان صرف نظر از ملیت قومیت مذهب نژاد زبان و جز اینها عملاً در تعارض با منافع حکومت‌ها و کشورها و دولت‌های ملی قرار می‌گیرد (بدیعی، ۱۳۹۱: ۱۵۷ و ۱۶۸).

این چالش به خصوص برای دولت‌های ضعیف که از قابلیت‌های نوین مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی نیز کم بهره هستند و به حاکمیتی سنتی و غیر مشروع دارند کاملاً جدی به نظر می‌رسد. اعتماد نقطه اساسی پیوند جامعه به دولت است و کافی است در جامعه شبکه‌ای شده و مبتنی بر اینترنت این اعتماد فرو بریزد. در این صورت جامعه اطلاعاتی شده مبتنی بر اساس اینترنت و مجموعه نرم افزارهای اینترنتی فضایی جدید برای ایجاد همبستگی و ابراز مخالفت دارد که دولت تسلطی بر آن نخواهد داشت. در این اوضاع شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یک فضای خودمختاری تشکیل داده‌اند. این شبکه‌ها فضای خودمختاری هستند که تا اندازه زیادی خارج از کنترل حکومت‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کنند. حکومت‌ها و شرکت‌هایی که در سراسر تاریخ به انحصاری کردن کانال‌های ارتباط به مثابه شالوده قدرتشان پرداختند (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۰).

در دولت هایی که مشروعیت خود را از دست داده اند شبکه ای شدن جامعه به ایجاد تنش های اجتماعی منجر می شود که حاکمیت دولت ها را از درون مورد تهدید قرار می دهد.

به نظر می رسد بیشتر از اینکه کلیت دولت ملی در عصر اطلاعات مورد تهدید قرار گیرد این دولت های ضعیف هستند که با چالش مواجه می شوند. دولت های ضعیفی که از مشروعیت کافی نیز برخوردار نیستند و در جهان کنونی شبکه ای شده توسط اینترنت و فناوری های نوین اطلاعاتی در معرض تضعیف حاکمیت و حتی اضمحلال قرار دارند. این تهدید برای این تیپ از دولت ها فقط از سمت جامعه خود آن ها نیست بلکه می تواند از سوی دولت های دیگر و گردش اطلاعات جهانی شده بر بستر فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی صورت گیرد. دولت هایی که با جامعه و محیط جهانی شبکه ای شده و اطلاعاتی شده مواجه اند و قابلیت کافی برای فهم، مواجهه و پاسخگویی به نیاز های جدید جامعه خود و جامعه جهانی را ندارند. اما سوال اینجاست که آیا دولت های قوی نیز با چنین بحرانی مواجه می شوند؟

**بسط ظرفیت حاکمیت دولت های قوی مبتنی بر قدرت نرم توسط فناوری های اطلاعاتی و چالش های آن**

همانطور که گفته شد دولت های قوی دولت هایی هستند که در تصمیم گیری و اجرای سیاست های خود از استقلال و توانمندی بالایی در مقابل سازمان های اجتماعی دیگر برخوردارند. این دولت ها نه تنها از قابلیت مسلط شدن بر فناوری های جدید بهره می برند بلکه خود نیز در خلق چنین فناوری هایی پیشرو هستند و از آن ها برای بسط ظرفیت های حاکمیت خود نهایت استفاده را می کنند. (کاظمی: ۱۳۹۸ جزوه) دولت های قوی به نوعی خود عامل و سیاست گذار پیشرفت های فناوری های نوین ارتباطی اند و حتی بر شرکت های خصوصی که در حوزه این فناوری ها پیشرو هستند نظارت می کنند. این فناوری ها باعث گسترش هر چه بیشتر نظارت دولت های قوی بر اتباع خود می شوند.

به نظر می رسد شیوه اعمال حاکمیت در دولت های مدرن قوی که به فناوری های اطلاعاتی جدید مجهزاند در حال تغییر است. این دولت ها به علت برخورداری از اطلاعات گسترده و دقیق از جامع خویش و حتی جامعه جهانی به فرصتی تاریخی و بی بدیل برای حکمرانی نرم و اقتاعی دست پیدا کرده اند. اطلاعات گسترده و چند وجهی منبعی عظیم برای کنترل، جهت

دهی و اقتناع افکار عمومی در اختیار دولت های مجهز به فناوری های اطلاعاتی قرار داده است. دولت ها جهت پیشبرد و تامین منافع ملی و جهانی راهی جز استفاده از یک سیستم سایبرنتیک<sup>۱</sup> برای کنترل سیستم ها از طریق کنترل اطلاعات و احتراز از حرکت مبتنی بر قدرت و تاکید بر اطلاعات و ارتباطات آزاد و رفتار انعطاف پذیر در تعامل با جامعه های مدنی باقی نمانده است (جهانگیر، ۱۳۸۶: ۹۴)

ما در حال گذار به نوعی حکمرانی پیچیده مبتنی بر اطلاعات هستیم که در دولت های قوی در حال شکل گیری است. در واقع این فناوری ها فرصتی بی نظیر در اختیار دولت های قوی برای نظارت و شناخت به زوایای پنهان فکری، گرایشی و رفتاری اتباع تحت حاکمیت قراردادده است که این عامل مهمی در ایجاد انگیزه در دولت ها برای کسب مشروعیت از طریق سیاستگذاری ها و تصمیمات اقناعی و نرم در مواجهه با جامعه ایجاد کرده است. شیوه جدید حکومتداری از رهگذر ترکیب آلیاژگونه "قدرت، فناوری و روان" است (ستاری: ۱۳۹۴، ۶۷۹-۶۹۷). بنابراین در عصر اطلاعات که فناوری های اطلاعاتی موتور پیشرانه آن محسوب می شوند، حکمرانی بر جوامع شبکه ای شده چالشی است که موجب تضعیف و یا اضمحلال دولت های ضعیف می گردد و از سوی دیگر همین چالش موجب بازآفرینی نسل جدیدی از دولت های مدرن مشروعیت خواه با رویکرد های اقناعی و نرم با حکمرانی مبتنی بر داده و اطلاعات گردیده است که توانسته اند ظرفیت های حکمرانی خود را بر اساس فناوری های نوین اطلاعاتی گسترش دهند. بدون زیرساخت های برنامه ریزی و خط مشی ارتباطی کشورهای از نظر صنعتی کمتر توسعه یافته برای مهار کاربردهای منابع در موقعیت ضعیف قرار دارد و به شدت تحت تأثیر شرکت های بین المللی خصوصی هستند که دستور کار آنها با اهداف توسعه ملی کشورهای مزبور تفاوت دارد. از سوی دیگر چنین کشورهایی با درجه بالایی از منابع طبیعی و انسانی از راهبردهای ملی با دقت طراحی شده برای برنامه ریزی و خط مشی ارتباطی می توانند نظارت قدرتمندی را بر عوامل اقتصادی سیاسی فرهنگی و فناوریانه و قانونی موثر بر توسعه اعمال کنند. (مولانا، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

البته لازم به ذکر است که همین فناوری ها موجب ایجاد تهدیدات جدیدی بر علیه دولت های مدرن قوی نیز گردیده اند. تهدیداتی مانند:

- افزایش خطر تروریسم سایبری و گروه‌های تبهکار سایبری
  - جنگ سایبری و دزدی اطلاعات توسط دولت‌ها رقیب یا دشمن
  - تقویت مخالفان سیاسی و شبکه‌ای شدن آن‌ها با استفاده از این فناوری‌ها.
  - چالش‌های تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف به علت تورم اطلاعات.
  - وابستگی بیش از حد ارتش این کشورها به این فناوری‌ها در مقابل دشمنان سنتی که خود باعث به وجود آمدن چالش‌های نامتقارن در جنگ خواهد شد و ممکن است دشمنان را به موازنه‌های نامتقارن برساند.
  - نارضایتی اتباع از نظارت دولت‌ها می‌گردد
- هر یک از این چالش‌ها قابلیت تبدیل شدن به تهدیدات جدی علیه هر یک از دولت‌های مدرن قوی را دارا می‌باشند و در صورت عدم آمادگی دولت‌ها می‌توانند منجر به سقوط قدرت حاکمیت آن‌ها گردند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی بودیم که گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چه تاثیری در بسط ظرفیت‌های سیاست‌گذاری، دیپلماتیک و... دولت‌های مدرن داشته است و چه چالش‌هایی را پیش روی دولت‌های مدرن گذاشته است و در پاسخ به این سوال این فرضیه را مطرح کردیم که در عصر اطلاعاتی شدن جوامع یکی از ابزارهای افزایش قدرت نرم کشورهای بسط ظرفیت‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌باشد. همه نظام‌های سیاسی از دولت‌های سنتی تا دولت‌های مدرن مکلف به اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیمات خود بوده‌اند فارغ از اینکه این تصمیمات با چه فرایندی گرفته می‌شدند و چگونه اجرا می‌شدند، باید اذعان کرد که در تمام این مراحل نظام‌های سیاسی به دنبال یافتن اطلاعات مفید در خصوص موضوع تصمیمات خود بوده‌اند. اما در جوامع مدرن که سازمان یافتگی به یکی از وجوه مهم افتراق آن با جوامع سنتی تبدیل شده است احتیاج به نظارت و داشتن اطلاعات برای دولت‌های مدرنی که بر این جوامع حکمرانی می‌کنند بسیار مهم‌تر از گذشته به چشم می‌خورد و به بیانی می‌توان گفت که اطلاعات بخشی از ماهیت دولت‌های مدرن تبدیل گشته است و این دولت‌ها را به دولت‌های اطلاعاتی تبدیل نموده است.

در حال حاضر این فناوری ها با تبدیل کردن جوامع به جوامع شبکه ای باعث خودمختاری و هرچه قدرتمند تر شدن آن ها گشته است و حکمرانی را در عصر اطلاعات پیچیده تر نموده است. رشد فناوری های اطلاعاتی در بستر انواع سیستم های اطلاعاتی از سوی دیگر باعث گردیده که دولت های مدرن در صورت توجه و استفاده کارآمد از آن ها بتوانند ظرفیت های گردآوری و تحلیل اطلاعات را در خود گسترش داده و از این طریق نظارت و خدمات خود را بسط دهند. این استفاده در حال حاضر به گونه ای است که شاهد شکل گیری ساختارهای جدید در آژانس های اطلاعاتی، تشکیل ارتش ها و سلاح های اطلاعات محور، شکل گیری دیپلماسی سایبری و تصمیم گیری های پشتیبانی شده توسط سیستم های اطلاعاتی هوشمند در دولت های مدرن می باشیم.

اما همه دولت های مدرن قادر به بسط ظرفیت های خود از این طریق نمی باشند. دولت های ضعیفی که نمی توانند از این ظرفیت ها استفاده کنند در مقابل جوامع شبکه ای قدرتمند شده خود به سمت اضمحلال و بی ثباتی حرکت می کنند در سوی دیگر دولت های قوی که قادر به استفاده گسترده از این سیستم ها و فناوری ها می شوند در صورت مدیریت کارآمد می توانند ظرفیت های نظارتی و خدماتی خود را گسترش داده و حاکمیت خود را از این طریق تقویت نمایند. نکته اساسی این است که شکل حکمرانی به علت وجود جوامع اطلاعاتی و قدرتمند تر شدن آن ها به سمت تقویت و توجه بیشتر به مشروعیت و اقتناع در حرکت است و به نظر می رسد دولت های قوی با استفاده از اطلاعات وسیع از اتباع خود و حتی اتباع سایر دولت ها و تحلیل های هوشمند مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی فناوری محور، قادر به درک این پیچیدگی ها و در نهایت اتخاذ تصمیماتی می شوند که قابلیت اقناعی بیشتری دارند.

چالش هایی نیز دولت مدرن قوی را تهدید می کند که برگرفته از همین فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی است. از جمله سرقت اطلاعات توسط دولت های رقیب یا استفاده تروریسم بین المللی از این فناوری ها و همپنین پدیده ای به نام جنگ سایبری و غیره. با این حال نمی توان اهمیت سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری های جدید را در امر اداره و بسط ظرفیت های دولت ها نادیده و یا کم ارزش جلوه داد. لازم است در رشته علوم سیاسی که به مطالعه دولت می پردازد نقش سیستم های اطلاعاتی فناوری پایه و اهمیت آن بر روی بسط ظرفیت های پررنگ تر دنبال شود و در معادله قدرت متغیر سیستم های اطلاعاتی فناوری پایه را به طور جدی لحاظ نماید.

## منابع

۱. ابراهیم پور، حبیب و الیک، فهمیه (۱۳۹۵). «بررسی نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولتها»، کنفرانس بین‌المللی نخبگان
۲. آشنایی با شاخص‌های دولت مدرن (۱۳۹۵). دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۳. پژوهشگران گروه رسانه، اقتناع در خبر (۱۳۹۷).
۴. پورا احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب.
۵. جمالی، حسین (۱۳۷۹). تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
۶. ره‌پیک، سیامک و کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۷)، «طراحی الگوی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۲۱.
۷. عسگری، محمود (۱۳۸۹). «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۸، بهار.
۸. گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۹. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، «ابزار موفقیت در سیاست بین‌الملل»، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی دوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. نای، جوزف (۱۳۹۲)، قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
12. Gill.B. & Y. Huang (Summer2006). "Sources and limits of Chinese soft power", Survival, Vol.48, No2.
13. Nye, Joseph (1990), "The Changing Nature of Power", Political Science Review Quarterly", Vol.105, No.4.

14. Nye, Joseph (2004), "Soft Power: The Means to Success in World Politics", New YORK: Carnegie Council of Ethics and International Affair.
15. Zhang, Yazhi (2001), "On the Disintegration of the Soviet Union, from the perspective of soft power in Culture", Available at:<http://www.dlib.ut.ac.ir/Idll>.